

« فصل سوم »

معنی و مفهوم، نکت ادبی و دستوری

« درس هشتم: زندگی همین لحظه است »

عباس اقبال آشتیانی: وی از نویسندگان مورخان و محققان معاصر، استاد دانشگاه و عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی

بود. از آثار او میتوان به « تاریخ مغول » و « وزرای سلاجقه » اشاره نمود.

درس هشتم

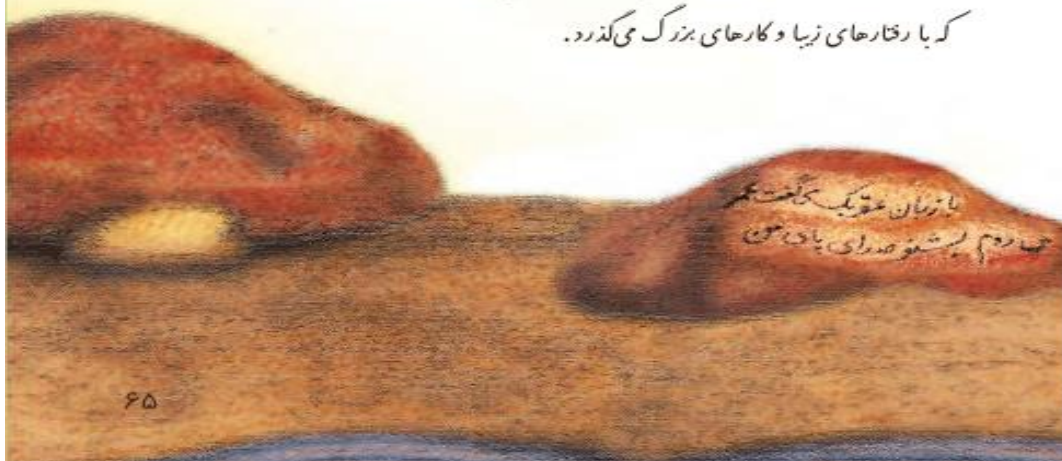
زندگی همین لحظه است

زندگی مجموعه‌ای از روزها و ماه‌ها و سال‌هاست؛ روزهایی که به شتاب می‌گذرند و هرگز بازمی‌گردند. ۲

می‌گویند وقت طلاست ولی بدون تردید وقت از طلا گران‌بهاتر است؛ زیرا با صرف وقت می‌توان طلا به دست آورد ولی دقائق تلف شده را با طلا نمی‌توان خرید.

چه بسیارند آنانی که وقت خود را بی‌موده تلف می‌کنند. کویی قرن‌های طولانی در این جهان زندگی خواهند کرد، اگر پولشان کم شود، دل آزرده می‌شوند و در جست‌وجوی آن، دنیا را زیر و رو می‌کنند اما هرگز از تلف شدن وقت خویش نگران و ناراحت نمی‌شوند.

عمر حقیقی را شناسنامه ما تعیین نمی‌کند. زیستن و زندگی زیبا، تنها همان فرصت‌هایی است که با رفتارهای زیبا و کارهای بزرگ می‌گذرد.



می‌گویند، اسکندر در اثنای سفر به شهری رسید و از کورستان عبور کرد. سنگ مزارها را خواند و به حیرت فرو رفت؛ زیرا مدت حیات صاحبان قبور که بر روی سنگ‌ها حک شده بود، هیچ‌کدام از ده سال تجاوز نمی‌کرد. یکی از بزرگان شهر را پیش خواند. به او گفت: «شهری به این صفا، با هوای خوب و آب گوارا، چرا زندگی مردمش چنین کوتاه است؟» آن مرد بزرگ پاسخ داد: «ما زندگی را با نظری دیگر می‌نگریم، زندگی به خوردن و خفتن^۳ و راه رفتن نیست. اگر چنین باشد، ما با حیوانات تفاوتی نداریم. زندگی حقیقی آن است که در جست‌وجوی دانش و یا کار مفید و سازنده بگذرد. با این قرار، هیچ‌کس بیش از پنج و شش و حداکثر ده سال زندگی نمی‌کند؛ زیرا قسمت اعظم عمر به غفلت سپری می‌شود.»

کسی در زندگی موفق است که اکنون و فرصت حال را دریابد و همیشه فکر کند که بهترین فرصت من امروز است. امروز را به فردا افکندن و به امید آینده نشستن، کار درستی نیست. همچنان که امروز را به یادآوری گذشته‌های از دست رفته، گذراندن و افسوس خوردن نیز شایسته نیست. ختام شاعر بزرگ ایرانی گفته است:

از دی که گذشت، هیچ از او یاد مکن فردا که نیامده است، فریاد مکن
 بر نمانده^۴ گذشته،^۵ بنیاد مکن حالی خوش باش و عمر بر باد مکن^۵

آیا منظور از خوش بودن در این شعر، خنده‌های بی‌بوده و خوش‌گذرانی و به قول بعضی،

الکی خوش بودن است؟ «نه»؛ خوشی واقعی، دل‌های دیگران را شاد کردن، گره از کار دیگران^۶ کشودن^۶ با دیگران خندیدن است که خدا دوستدار کسانی است که شادی‌های خود را با دیگران تقسیم و غم را از دل دیگران منهای کنند.

می‌گویند: قدر وقت را بدانید و دقائق کران بها را بیوده از دست دهید. مقصود این نیست که دائماً در کوشش و اضطراب باشید و راحت و آرام بر خود حرام کنید. ساعاتی که در مصاحبت دوستان می‌گذرد یا برای گردش و ورزش و بازی‌های تفریحی مصرف می‌شود، در ردیف اوقات تلف شده، نیست.

۸

۷

وقتی زیبایی‌های آفرینش را می‌بینیم، وقتی سبزه‌ها، گل‌ها، درختان، آسمان آبی یا پرستاره را با شگفتی و اعجاب مرور می‌کنیم و یا بر ساحل دریا، یا رودخانه می‌نشینیم، وقت خود را تلف نکرده‌ایم. اینها جزء زندگی است، مخصوصاً اگر با تامل و فکر و عبرت همراه باشد.

زندگی، همین لحظه‌هاست و از دست دادن فرصت‌ها جز غصه و اندوه چیزی همراه ندارد.

۱۰

این سخن زیبای نهج البلاغه، یادمان باشد: «فرصت‌ها مثل گذشتن ابرها می‌گذرند،

فرصت‌های خوب و عزیز را دریابید.»

عباس اقبال آشتیانی، با نخبص



۱- چرا می‌گویند: «وقت از طلا گران‌بهار است»؟

۲- منظور از «عمر حقیقی را شناسنامه ما تعیین نمی‌کند.» چیست؟

۳- پیام اصلی درس چیست؟

۴-

آرایه های ادبی درس:

۱. مراعات النظیر
۲. تشبیه
۳. مراعات النظیر
۴. تضاد
۵. کنایه از تلف نکردن عمر
۶. کنایه از بر طرف کردن مشکل دیگران
۷. مراعات النظیر
۸. مراعات النظیر
۹. مراعات النظیر
۱۰. تشبیه / کنایه از ذورگذر بودن

ازوی که گذشت بیچ از او یاد مکن فردا که نیامدست فریاد مکن

معنی: از روزی که سپری شده دیگر صحبت نکن و آن را فراموش کن بخاطر آینده ای که نیامده بی جهت نگران نباش و ناله و فریاد

مکن

نکته دستوری: فردا: نهاد / بیت چهار جمله دارد

برنامه و گذشته بنیاد مکن حالی خوش باش و عمر برباد مکن

معنی: بر آینده و روزهای گذشته تکیه نکن و اکنون خوش و شاد باش و عمر خود را تلف نکن

نکته ادبی: نامده و گذشته: تضاد / بر باد مکن: کنایه از تلف نکردن

پانخ خودارزیابی ها:

۱. چرا می گویند: (وقت از طلا گران بها تر است)؟

زیرا با صرف وقت می توان طلا به دست آورد، ولی دقایق تلف شده را با طلا نمی توان خرید.

۲. منظور از (عمر حقیقی را شناسنام؟ ما تعیین نمی کند) چیست؟

زیستن و زندگی زیبا، فقط همان فرصت هایی است که با رفتارهایی زیبا و کارهای بزرگ می گذرد. بقیه روزها و سال های ما جزء عمر واقعی ما محسوب نمی شوند.

۳. پیام اصلی این درس چیست؟

ما باید از وقت خود بهترین استفاده را ببریم و نگذاریم وقتمان تلف شود.

پانخ فعالیت های نوشتاری:

۱_ سه جمله از درس بنویسید که در آن ها عل اسنادی به کار رفته باشد .

کسی در زندگی موفق است .

اگر با تامل و فکر و عبرت همراه باشد .

زندگی به خوردن خفتن و راه رفتن نیست .

۲_ ده واژه از درس بنویسید که ارزش املائی داشته باشد .

تلف شده _ اوقات _ گذراندن _ تلخیص _ قوم و خویش _ قسمت اعظم _ مقصود _ غفلت _ حک شده _ برنامده _

۳_ در هر جمله یک غلط املائی وجود دارد آنها را پیدا کرده و شکل درست آنها را بنویسید

_ اسکندر سنگ مزارها را خواند و به هیبت فرورفت . (حیرت)

_ مدت زمان حیاط صاحبان قبور از ده سال تجاوز نمی کند . (حیات)

_ مجتبی در درس هایش بسیار پیشرفت کرده است . (مجتبی)

لغات مهم درس:

۱. مجموعه: گروه
۲. تردید: شک
۳. صرف: بکار بردن، مصرف کردن
۴. دقایق: جمع دقیقه
۵. تلف: از بین رفتن
۶. نگران: ناراحت و دلواپس
۷. دل آزرده: ناراحت
۸. تعیین: معلوم
۹. فرصت: زمان مناسب
۱۰. اثنا: میانه / در بین چیزی
۱۱. گورستان: قبرستان
۱۲. حیرت: سرگستگی
۱۳. حیات: زنده بودن
۱۴. صاحبان قبور: کسانی که در قبرها دفن شده اند
۱۵. قبور: جمع قبر
۱۶. حک کردن: تراشیدن / خراشیدن
۱۷. تجاوز: از حد خود گذشتن / ظلم و ستم کردن / زورگویی
۱۸. نظر: نگاه / دیدگاه
۱۹. خفتن: خوابیدن
۲۰. اعظم: بزرگتر / بزرگ
۲۱. غفلت: بی خبری / ناآگاهی
۲۲. دی: دیروز
۲۳. نامده: نیامده / آینده
۲۴. حالی: در این زمان
۲۵. الکی: غیر جدی
۲۶. منها: کم کردن
۲۷. مقصود: هدف
۲۸. دائما: همیشه
۲۹. اضطراب: پریشان حالی / بیتابی
۳۰. مصاحبت: هم نشینی / گفت و گو
۳۱. اعجاب: شگفتی و تعجب
۳۲. مخصوصا: بویژه
۳۳. تامل: اندیشه کردن / فکر کردن
۳۴. عبرت: پند و اندرز